

The degree of harmony between the teachings of the Holy Quran and the Old Testament on the subject of the prophecy of Prophet Moses (pbuh)

Abstract

The course of life and explanation of the character and prophecy of Prophet Moses (pbuh) is expressed in the Holy Quran in a very glorious and mysterious way. It is necessary to decipher it at any time in accordance with the conditions of that era. In studying the teachings of the two books on the subject of the prophethood of Prophet Moses (pbuh), despite the differences in the level of teachings and Shari'a, there is a lot of consistency and coherence. The adaptation of the time of the people of Israel to the events of the Islamic era (which is emphasized in the narrations) adds to the necessity of research, and the concordance of the commonalities with the hopes and lessons learned from it can be highlighted. The paradoxical presentation of the character structure of Prophet Moses (pbuh) that is seen in some Old Testament expressions is influenced by the perception of the followers that is imposed on the Bible and should be refined. In this article, we tried to present various teachings in different dimensions of the personality and prophecy of Prophet Moses (pbuh) in two books and to compare them comparatively. In the end, after expressing the results of the article, it was suggested to strengthen the commonalities and pay attention to the great harmony in the teachings, to provide a suitable platform for comparative studies and to lead to more coexistence and interaction of the followers of the Abrahamic religion.

Keywords: Holy Quran, Old Testament, Prophet Moses (pbuh), Prophecy, Harmony

میزان همخوانی آموزه‌های قرآن کریم و عهد عتیق در موضوع نبوت حضرت موسی علیه‌السلامسید جواد جلیلی شانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۸

عباس همامی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

محمد رضا عدلی^۳**چکیده**

سیر زندگی و تبیین شخصیت و نبوت حضرت موسی علیه‌السلام در قرآن کریم بسیار شکوهمند و رمزآلود بیان شده است. که رمزگشایی از آن در هر برهه‌ای متناسب با شرایط آن عصر ضرورت می‌یابد. در مطالعه و بررسی آموزه‌های دو کتاب در موضوع نبوت حضرت موسی علیه‌السلام علی‌رغم تفاوت در سطح تعالیم و شریعت، همخوانی و پیوستگی فراوانی نیز مشاهده می‌گردد. تطبیق روزگار قوم اسرائیل با حوادث عصر اسلام (که مورد تاکید روایات است) بر ضرورت پژوهش می‌افزاید و می‌توان با امیدها و عبرت‌های برگرفته از آن همخوانی و جوه اشتراک را برجسته نمود. ارایه تصویری متناقض در ساختار شخصیتی حضرت موسی علیه‌السلام که در برخی عبارات عهد عتیق مشاهده می‌گردد، متأثر از برداشت پیروانی است که بر کتاب مقدس تحمیل شده و باید در پالایش آن اهتمام نمود. در این مقاله سعی گردید آموزه‌های متعدد در ابعاد مختلفی از شخصیت و نبوت حضرت موسی علیه‌السلام در دو کتاب مطرح و به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد. در پایان بعد از بیان نتایج مقاله، پیشنهاد گردید تا تقویت جوه مشترک و توجه به همخوانی بسیار در آموزه‌ها، بستری مناسب برای مطالعات تطبیقی فراهم گردد و همزیستی و تعامل بیشتر پیروان دین ابراهیمی را در پی داشته باشد.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، عهد عتیق، حضرت موسی علیه‌السلام، نبوت، همخوانی

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. seyedjavadjalili@gmail.com

^۲ استاد گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) info@hemami.ir

^۳ استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Moh_adli@yahoo.com

۱- بیان مسأله

اسلام، یهودیت و مسیحیت دارای ساختاری واحد و ماهیتی آسمانی است. و نیز متون مقدسی که مبانی و شاکله عقاید و رفتار بخش زیادی از جوامع بشری را تشکیل می‌دهد. درک مشکلات جوامع و نجات از بی‌عدالتی، فقر، خشونت و استعمار با شناخت عقاید دینی مردم آن تأمین می‌گردد. بی‌شک معرفت دینی مستلزم شناخت شخصیت و سیره پیشوایان دینی و فهم عمیق آموزه‌های کتب الهی است. از آنجایی که تعالیم انبیاء دستخوش برداشته‌هایی متفاوت و گاهی متناقض شده است؛ تحلیل سیره صحیح و بدون تعصب پیامبران، بیش از گذشته ضرورت خود را نشان می‌دهد. در این بین تحلیل شخصیت و تبیین نبوت حضرت موسی علیه‌السلام به جهت تصویرپردازی‌های قرآن کریم و عهد عتیق جایگاهی خاص می‌یابد. تشریح آموزه‌های دو کتاب و تبیین وجوه اشتراک و افتراق آن می‌تواند به ترسیم تصویری روشن‌تر از سیمای آن حضرت کمک کند.

وجوه اشتراک و همخوانی آموزه‌ها در دو کتاب بیش از افتراق است. تفاوت و افتراق متأثر از دو علت است: به سبب رتبه و فضل پیامبر و یا متناسب با شرایط عصر وی می‌باشد که باید مورد توجه قرار گیرد. و یا از سوی بشر بر کتاب مقدس تحمیل شده و تحریفی است که باید پالایش گردد. با عنایت به فقدان عصمت لفظی و عدم مصونیت از تحریف عهد عتیق و ملاحظه مواردی دیگر، در وجوه شخصیت، تحلیل نبوت و تبیین آموزه‌ها، به اقتضای عقل طبیعی است که ضمن تأیید آسمانی بودن تورات و رعایت احترام پیروان دین ابراهیمی، هیمنه و اشراف قرآن کریم مورد توجه و عنایت باشد. (المائده/۴۸) بدان سبب که قرآن کریم خود را مصدق کتب قبل، رافع معایب و پوشاننده و مکمل نقایص آن معرفی نموده است. ناگفته نماند که قرآن کریم بسیاری از احکام و شریعت عهد عتیق را تصدیق و تکمیل می‌نماید؛ اما عهد عتیق امروزی و همه آموزه‌ها و شریعت آن را به طور کامل مورد تأیید قرار نمی‌دهد. در گزینش آموزه‌ها و سیره حضرت موسی علیه‌السلام براساس مفهوم نبوت سعی گردید از ابعاد مختلف و متفاوتی به موضوع نگریسته شود.

بنابراین بازنگری در تحلیل آموزه‌ها و سیره حضرت موسی علیه‌السلام به طور صحیح، تطبیقی و عاری از هرگونه تعصب در قرآن کریم و عهد عتیق، تقویت و برجسته نمودن وجوه اشتراک و پالایش تحریف از آن بیش از همیشه ضرورت دارد. تا تشتت و تفرقه، خشونت و انحراف و فقر و بی‌عدالتی در سایه تعالیم آن به همدلی و همگرایی، صلح و همزیستی و تعامل و هم‌افزایی مبدل گردد.

در این راستا سوالات ذیل قابل طرح می‌باشد:

- چرا مفهوم و عمق آموزه‌های دو کتاب در موضوع نبوت حضرت موسی علیه‌السلام متفاوت بیان شده است؟

- وجوه اشتراک و افتراق قرآن کریم و عهد عتیق و میزان همخوانی آموزه‌های آن چگونه توصیف شده است؟

۲- طرح وجوه اشتراک و افتراق و تبیین آموزه‌ها

۲-۱- تطبیق قوم اسرائیل با عصر حاضر (عبرت‌ها و امیدها)

دوران زندگی و نبوت موسی علیه السلام توأم با اسرار و رموزی است که رمزگشایی از آن در هر برهه‌ای از زمان برای مخاطب ضرورتش احساس می‌گردد. تحلیل و تطبیق عصر بنی‌اسرائیل با اوضاع امت اسلامی و عصر کنونی از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار می‌باشد.

اصل کلی وراثت زمین و بشارت به حکومت صالحان در قرآن کریم و کتب عهد عتیق مورد تأکید فراوان است. قرآن کریم می‌فرماید: "وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ". (الانبیاء/ ۱۰۵). صاحب مجمع در ذیل آن این روایت را آورده است: «و قال ابو جعفر علیه السلام هم اصحاب المهدي عليه السلام في آخر الزمان.» (طبرسی، ۱۲۰/۷)

در مزامیر آمده است: «خداوند از کسانی که مطیع هستند، مراقبت می‌کند. آن‌ها را وارث زمین می‌سازد... نیکی را دنبال کن تا پایدار گردی... مردم صالح وارد زمین خواهند شد و همیشه در آنجا زندگی خواهند کرد.» (مزامیر / ۳۷، ۲۹-۲۷، ۱۸)

قرآن کریم برای متکبران قدرت الهی را آشکار می‌کند تا آنان را از زمین بیرون کند و هر که را بخواهد جایگزین آن نماید. عهد عتیق از سرزمین مقدس و موعودی که موسی علیه السلام باید قوم را بدانجا رهبری نماید، نام برده است. «من تصمیم گرفتم که شما را از مصر، که از آن عذاب می‌کشید، بیرون بیاورم. من شما را به سرزمینی که غنی و حاصلخیز است می‌برم. جایی که اکنون کنعانیان، حتیان، اموریان، فرزندان، حویان و یبوسیان در آن زندگی می‌کنند.» (خروج / ۱۷، ۳)

۲-۲- نبوت و رسالت حضرت موسی علیه السلام

قرآن کریم رسالت حضرت موسی علیه السلام را همراه با نبوت وی بیان می‌کند. او را مُخْلِص، رسول و نبی معرفی نموده است. (مریم / ۵۱) آغاز نبوت و ابلاغ رسالت وی در سوره متعددی بیان شده است. محضر استادی را درک می‌کند که از اولیای الهی و صاحب علم لدنی است (سوره الکهف / ۸۲-۶۰) او ده سال از محضر شعیب علیه السلام بهره می‌برد. پس از اتمام قرارداد مدین را به قصد مصر رها می‌کند. همراه با خانواده به صحرای سینا می‌رسد.

شب هنگام و در سرمای آن صحرا آتشی را می‌بیند. در چنین حالات و شرایطی ابلاغ نبوت و رسالت وی صورت می‌گیرد و برادرش هارون علیه السلام از لطف و رحمت الهی به عنوان دستیار و همراه وی قرار می‌گیرد. (نک: القصص / ۳۵-۲۹) در عهد عتیق این حادثه عظیم هنگامی اتفاق می‌افتد که حضرت موسی علیه السلام گله گوسفندان و بزهای پدرزنش یترون را به بیابان می‌برد. وی برای نجات قوم اسرائیل از ظلم فرعون و نجات و هدایت آنان به سرزمین موعود برانگیخته می‌شود. در قرآن کریم موسی علیه السلام با رسالت الهی به سوی فرعون و ملاء او فرستاده شد، ولی در عهد عتیق با معجزاتی به سوی فرعون فرستاده می‌شود. سفر خروج، ابلاغ نبوت و نگرانی این پیامبر الهی از سنگینی مسئولیت و نارسایی زبان و ضعف خود را این‌گونه توصیف می‌نماید:

یک روز وقتی موسی گله گوسفندان و بزهای پدرزنش یترون، کاهن مدیان را می‌چرانید، گله را به طرف غرب بیابان برد تا به کوه مقدس، یعنی سینا (حوریب) رسید. در آنجا فرشته خداوند از میان شعله‌های آتش بوته‌ای بر او ظاهر شد. موسی نگاه کرد و دید که بوته شعله ور است اما نمی‌سوزد! پس با خود گفت: «نزدیک بروم و این چیز عجیب را ببینم که چرا بوته نمی‌سوزد!» وقتی خداوند دید موسی نزدیک

می‌آید، ... فرمود: «نزدیکتر نیا! نعلینت را از پایت بیرون بیاور چون جایی که ایستاده‌ای زمین مقدس است. من خدای اجداد تو هستم. خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب.» موسی صورت خود را پوشانید چون ترسید که به خدا نگاه کند. آنگاه خداوند فرمود: « زحمات قوم خود را که در مصر هستند دیدم و ناله و زاری آنها را از دست سرکارگران شنیدم. من تمام رنج و عذاب آنها را می‌دانم. و در ادامه خداوند رسالت موسی علیه‌السلام را این‌گونه به وی ابلاغ می‌کند: نازل شده ام تا قوم خود را از دست مصری‌ها نجات بدهم و از مصر بیرون آورده و به سرزمین غنی و حاصلخیز ببرم... من فریاد قوم خود را شنیده‌ام و می‌دانم که چگونه مصری‌ها به آنها ظلم می‌کنند. حالا بیا تو را نزد فرعون بفرستم تا تو قوم من بنی‌اسرائیل را از این سرزمین بیرون بیاوری. [خداوند متعال در پاسخ به سوال موسی علیه‌السلام خود را معرفی و نام خود را اعلام می‌کند]: فرمود: به بنی‌اسرائیل بگو که او که «هستم» نامیده می‌شود مرا نزد شما فرستاده است. خداوند خدای اجداد شما، خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب مرا نزد شما فرستاده است. اسم من تا ابد همین خواهد بود و تمام نسل‌های آینده مرا به همین اسم بخوانند [یهوه] برو و تمام رهبران قوم اسرائیل را جمع کن و آنان را از رسالت الهی خود آگاه نما. [موسی علیه‌السلام ضعف، نارسایی و نگرانی خود را در این مسئولیت خطیر به خداوند اظهار می‌کند؛ اما خداوند به وی وعده تائید و تقویت می‌دهد]. در پاسخ به درخواست موسی علیه‌السلام، هارون لایوی را به عنوان سخنگوی وی برمی‌گزیند و او را با معجزاتی به سوی فرعون روانه می‌سازد.

۳-۲- موسی و هارون علیهما السلام

قرآن کریم هارون علیه‌السلام را از پیامبران الهی، سخنگو، مشاور و همراه حضرت موسی علیه‌السلام در مسیر دشوار رسالت الهی وی می‌داند. نام وی بیست بار در قرآن کریم ذکر گردیده است. (خزائلی، ۶۵۷) در غیاب موسی علیه‌السلام جانشین وی بوده است. در بازگشت موسی علیه‌السلام از سینا مورد عتاب و مواخذه واقع گردید. در پاسخ به سرزنش پیامبر از عذر موجه و بی‌گناهی خود سخن گفت. عهد عتیق از وی با تفصیل بیشتری سخن می‌گوید، ساختن گوساله زرین را به وی نسبت می‌دهد و او را عامل انحراف قوم معرفی می‌کند. (خروج / ۳۲)

البته در میدراش^۲ به شیوه‌های گوناگون تلاش می‌شود که هارون از هر گونه بزه و گناهی در داستان گوساله میرا قلمداد شود. در خصوص شخصیت وی تصویری متناقض ارائه می‌گردد. در ادبیات اسلامی پس از قرآن، به صورت‌های گوناگون بیان می‌شود که چگونه موسی برای بنی‌اسرائیل توضیح می‌دهد که وی برادرش را، چنان که ایشان پند

۱. نک: القصص / ۳۵-۳۴؛ المومنون / ۴۵؛ الصافات / ۱۲۲-۱۱۴؛ یونس / ۷۵؛ طه / ۴۷-۴۳؛ الاعراف / ۱۴۲.

۲. از مراحل سیر تکوین تلمود است. میدراش، میشنا و تلمود. (بسط میشنا). Midrach از ریشه عبری drach مشتق شده است و در کتاب مقدس در معنای طلب، جستجو و بازجویی است. (Herr, David Moshe, 2001, 424)

هر دو کتاب به طور مشترک داستان میقات موسی علیه‌السلام را مطرح نمودند. او چهل شب از قوم خود فاصله گرفت و به میعاد الهی جهت اخذ الواح رفت. قرآن کریم از یک میقات سخن می‌گوید. (الاعراف/ ۱۴۳-۱۴۲) در عهد عتیق میقات دو مرتبه صورت می‌گیرد. عمومی و اختصاصی.

بار اول همراه با گروهی است. در بازگشت از آن و با دیدن انحراف قوم و گوساله پرستی آنان دیگر بار به بالای کوه می‌رود. این بار خصوصی و برای آموزش قوم و استغفار از انحرافی که دچار شدند. (خروج/ ۲۴، ۱۱-۹؛ ۳۲، ۳۵-۳۰؛ تثنیه/ ۱۰، ۱۰) میقات از مسایل محوری و پر اهمیت در زندگی و نبوت موسی علیه‌السلام است. تاریخ جامع ادیان آن را بزرگ‌ترین عمل موسی علیه‌السلام در رسالت وی می‌داند: «بزرگترین عملی که موسی در کار رسالت و هنگام پیشوایی قوم خود به جا آورد در مصر نبود، بلکه در دامنه کوه بود که در بعضی روایات غالباً به نام طور سینا نام برده شده و در بعضی دیگر به نام جبل حوریب مذکور است و محل واقعی آن جبل هنوز مورد تردید می‌باشد... به هر حال مکان جغرافیایی جبل طور هرکجا باشد، امر بزرگی که در آنجا واقع گردید آن بود که موسی از آنجا واسطه ارتباط بین مومنان و خدا قرار گرفت.» (بی‌ناس، ۴۹۴)

اختلاف در امور فرعی اتفاقی که در قرن‌ها قبل گذشت را می‌توان تا اندازه‌ای طبیعی دانست. به طور مثال؛ حوریب بوده یا سینا، دامنه کوه بوده یا قله، عبورگاه بنی اسرائیل رود بوده یا دریا، نیل بوده یا خلیج عقبه...! اما نگرانی آنجاست که برخی از مورخان و پژوهشگران عهد عتیق به اصالت تاریخی موسی علیه‌السلام خدشه وارد نمودند. آنان معتقدند که یک نام نمی‌تواند به تنهایی بیان‌کننده شخصیت تاریخی یک فرد باشد و پژوهش در مورد تاریخچه نام موسی کمی به شناخت وی و کارهایی که او برای قوم بنی اسرائیل انجام داده است نمی‌کند و بسیاری هم بر آنند که زندگی‌نامه موسی سراسر افسانه است. برخی نیز در خصوص نگارش اسفار خمسه که بازگوکننده داستان موسی است، تردید نمودند و اعتقاد دارند که سرگذشت موسی مبتنی بر روایات سیصد یا چهار صد سال بعد از زمان او به رشته تحریر درآمده و به صورت حکایات موجود شده است. (van Seters. 2002, 196 و نیز نک: بی‌ناس، ۴۹۱)

۱-۴-۲- رویت و تجلی در میقات

در مسأله محوری میقات، تحلیل و تبیین رؤیت الهی بسیار حائز اهمیت است. پژوهشگران عهد عتیق علی‌رغم تردیدهایی که بر شخصیت و اصالت تاریخی موسی علیه‌السلام و اسفار وی وارد می‌کنند؛ او را برترین پیامبر الهی می‌دانند که با خدای خود رو در رو سخن گفته و او را مشاهده نموده است. در موارد متعددی از عهد عتیق و مراتب متفاوتی از میقات، موسی علیه‌السلام چهره خداوند را مشاهده می‌کند. وحی الهی بر موسی علیه‌السلام رو در رو و آشکارا بوده است. (اعداد/ ۱۲، ۸-۱؛ خروج/ ۲۴، ۱۱-۹) البته، در جایی دیگر سخن گفتن خداوند با قوم اسرائیل این‌گونه توصیف می‌گردد:

^۱ نویسندگان مقاله «جغرافیای تاریخی عبورگاه بنی اسرائیل از بحر با تاکید بر دیدگاه‌های مفسران قرآن و عهد عتیق» با ارائه مستندات تاریخی، جغرافیایی و علمی و مشاهده تفاسیر قرآن کریم و عهد عتیق، از بین نظریه‌های مختلف، عبورگاه را خلیج عقبه (شاخابه شمال شرقی دریای سرخ) دانسته‌اند.

آنگاه خداوند از میان آتش با شما صحبت کرد و شما تنها آواز کلام او را شنیدید، اما خودش را ندیدید. (تثنیه/۴، ۱۲-۱۱) و در فصل بعد می‌گوید: «خداوند در آن کوه از میان آتش، با شما روبرو حرف زد. (همان/ ۵، ۴)

قرآن کریم بر عدم رؤیت حسی تاکید دارد؛ گرچه از سوی برخی از مفسران توجیحاتی مطرح شده است. فخررازی معتقد است که خداوند فرمود «لن ترانی» و نفرمود: «لا أری» بنابراین می‌توان گفت که رؤیت خداوند فی نفسه جایز است. (رازی، ۲۴۲/۱۴-۲۳۸)

موسی علیه السلام در پاسخ به درخواست رؤیت بصری قوم، آنان را جاهل و تقاضای قوم را نابخردانه و سفیهانه می‌داند. (الاعراف/ ۱۵۵، ۱۳۸) چطور می‌توان پذیرفت که خود نیز چنین تقاضایی داشته باشد؟! علامه طباطبایی ضمن بیان روایتی از امام صادق علیه‌السلام و طرح نظریه معتزله و اشاعره در بحث رؤیت، دیدگاه آنانی که می‌گویند موسی علیه‌السلام از ناحیه قوم خود تقاضای رویت نمود را فاقد اعتبار می‌داند. رؤیت بصری را مردود و بر رؤیت قلبی و شهودی بدون تفکر و استدلال تاکید دارد. (طباطبایی، ۳۶۸-۳۹۰ / ۸)

۵-۲- گوساله زرین

هر دو کتاب در موضوع میقات شبانه موسی علیه‌السلام و دریافت الواح و فرامین الهی اتفاق نظر دارند و در این مسأله که قوم اسرائیل در غیاب پیامبر خود به انحراف گرایید و گوساله‌پرستی اختیار نمود، متفق و مشترک‌اند. در هر دو کتاب آمده است که موسی علیه‌السلام گوساله زرین را سوزاند و خاکستر آن را به آب ریخت. قرآن کریم در سوره‌های البقره، النساء، الاعراف و طه بدان می‌پردازد و عهد عتیق در فصل ۳۲ سفر خروج بر آن تمرکز دارد. در این که عامل ساخت گوساله و انحراف قوم چه کسی بوده، نظر دو کتاب متفاوت است. عهد عتیق آن را به هارون نسبت می‌دهد. (خروج/ ۳۲، ۴-۱) ولی قرآن کریم هارون علیه‌السلام را پیامبر و دارای شأن و مرتبتی والا می‌داند و سامری را به عنوان مسئول و عامل بزه و انحراف معرفی می‌نماید. عبارتی را که قرآن کریم از قول هارون علیه‌السلام در مواجهه و مقابله با قوم اسرائیل بیان می‌دارد، حائز اهمیت و محل تأمل است و باید مورد تعمق بیشتری قرار گیرد:

"وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلٍ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ... " (طه/۹۰)

در پاسخ به این سوال که چگونه قوم اسرائیل با گوساله مورد آزمایش قرار گرفتند، عهد عتیق ورودی به آن ندارد. اما قرآن کریم از زبان سامری (وقتی که مورد سرزنش و خطاب تند موسی علیه‌السلام واقع شد) عبارتی را نقل می‌کند که باید مورد توجه و پردازش قرار گیرد:

"قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ - قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي (طه/۹۶)

برداشتن خاک ردپای جبرئیل علیه‌السلام که بسیاری از بزرگان برداشت نموده‌اند، نمی‌تواند صحیح باشد و فاقد اعتبار است. مراد از رسول حضرت موسی علیه‌السلام و اثر همان سنت، روش و تعالیم اوست. نخستین کسی از بزرگان که با چنین نگرشی به آیه پرداخت، ابومسلم اصفهانی است.

محمد بن بحر معتزلی (۳۲۲-۲۵۴) در علوم مختلف از جمله تفسیر تبحر داشت. اثری از وی بر جای نمانده و از دیدگاه‌های او اطلاعات چندانی در دست نیست. عالمانی چون سید مرتضی، طبرسی، فخر رازی و ... در آثار خود به وی توجه داشتند. (نک: موسوی بجنوردی، ۲۲۵/۶-۲۲۴)

فخر رازی در ذیل آیه شریفه مذکور به شرح و تحلیل نظر وی پرداخت. (رازی، ۱۱۱/۲۲-۱۱۰) با عنایت به شخصیت سامری، دقت در عبارات بصرت، فقبضت، فنبذت، اثر، رسول، سوکت، سابقه قوم اسرائیل در درخواست سفیهانه و گرایش به تجسیم، و نیز بی‌اعتباری دیدگاه برداشتن ردپای حضرت جبرئیل، برداشت مذکور می‌تواند به صواب نزدیک‌تر باشد. (الله یعلم)

۶-۲- ادب حضور

قرآن کریم از ادب و تواضع دائمی پیامبرش در محضر الهی سخن می‌گوید. اگر هم سوال و درخواستی از سوی موسی علیه‌السلام مطرح می‌شود توأم با ادب و متواضعانه است، نه از انتقاد و نافرمانی پیامبر گزارشی است و نه از خشم و غضب الهی بر پیامبر خود روایت شده است. (القصص/ ۳۳، ۲۴، ۲۱، ۱۷، ۱۶) تفاوت فاحشی در اسلوب سخن گفتن موسی علیه‌السلام با خدا در تورات و در مضامین سخن وی در قرآن می‌یابیم

۷-۲- معجزات

در قرآن کریم موسی علیه‌السلام با معجزاتی به سوی فرعون و ملاء او می‌رود. قرآن کریم معجزات وی را منحصر در نه مورد می‌داند. (الاسراء/ ۱۰۱) و به اجمال از آن سخن می‌گوید. در کنار معجزات برای قبطیان و فرعونیان (نه مورد مذکور)، از معجزات موسی علیه‌السلام برای قوم اسرائیل نیز سخن می‌گوید و آن را برمی‌شمارد. قرآن کریم معجزه را به هارون علیه‌السلام نسبت نمی‌دهد. در عهد عتیق، موسی علیه‌السلام از همه پیامبران برتر است؛ زیرا خداوند رو در رو با وی سخن گفت. معجزاتش نیز با دیگر پیامبران متفاوت است. هیچ پیامبری چون وی آشکارا در مقابل دیدگان مخاطبان مخالف و موافق معجزه نشان نداد.

خداوند وی را با سه معجزه به سوی فرعون فرستاد. فرمود اگر اولی را نپذیرفتند، دومی را ارایه کن. اگر آن را هم نپذیرفتند، از آب نیل بردار و بر خشکی بریز. آب نیل مبدل به خون خواهد شد. (خروج/ ۴، ۹-۱) در کنار سه معجزه اصلی، معجزات متعدد دیگری را یکی پس از دیگری بر وی اعطا نمود. عهد عتیق به تفصیل از معجزات سخن می‌گوید. با هر معجزه‌ای وقتی می‌دید که فرعون همچنان بر تمرد و سرکشی خود اصرار و از خروج قوم بنی اسرائیل امتناع می‌ورزد، معجزه‌ای دیگر می‌فرستاد تا قلبش تسلیم الهی گردد و دستور خروج را صادر نماید. (نک: خروج، فصل‌های ۱۱-۷) عهد عتیق در برخی موارد انداختن عصا را در نزد فرعون و درباریان به هارون نسبت می‌دهد. (همان/ ۷، ۱۱-۸)

۸-۲- زهد و ساده زیستی

زهد از اصول مهم رفتاری انسان و پاسخی است بر ناپایداری دنیا که آرامش را برای آدمی به ارمغان می‌آورد.

زهد کوتاه کردن آرزوها و پاک نمودن دل، خوشحال نشدن به مدح و غمگین نشدن به مذمت است و این که چیزی نخورد، ننوشد و نپوشد مگر بداند پاک و حلال است و این که به آنچه به او مربوط نیست

سخن نگوید و بر دنیا حسد نورزد و علم و علما را دوست بدارد و دنبال مقامات و شرف دنیایی نباشد. (نوری الطبرسی، ۱۲/ ۵۰)

زهد در مرحله قلبی عدم تعلق به امور ناپایدار و در مرحله عملی اکتفا به بهره‌ای اندک از مواهب دنیوی است. زیباترین تصویر از معنای زهد در این آیه از قرآن کریم مشاهده می‌شود: «لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَكَمَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ...» (الحديد/۲۳) طبرسی در مجمع همه زهد را در این آیه دانسته است. (طبرسی، ۹/ ۴۰۰)

بنابراین در فرهنگ قرآنی، زهد به معنای ترک دنیا نیست؛ بلکه ترک ظواهر دنیوی و اکتفا به مظاهر آن در حد ضرورت و بدور از افراط و تفریط است. پیشوایان دینی با چنین نگرشی بر سیره زاهدانه اهتمام می‌نمودند. حضرت موسی علیه‌السلام در آن شرایط سخت و دشوار، پس از یاری به دختران شعیب علیه‌السلام در زیر سایه درختی، مسکنت و اضطراب خویش را به خدای خود این‌گونه عرضه می‌دارد: «... فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (القصص/ ۲۴) - حضرت علی علیه‌السلام در تبیین این آیه در نهج البلاغه سیره زاهدانه حضرت موسی علیه‌السلام را توصیف و تشریح می‌کند. حضرت بر لزوم تأسی و بهره‌گیری از سیره قلبی و عملی و زندگی زاهدانه پیامبران الهی و حضرت موسی علیهم‌السلام تأکید می‌نماید. (سیدرضی/ خ ۱۶۰)

بیشتر پیامبران در عهد عتیق برخاسته از اقشار ضعیف و از زاهدان و مستمندان جامعه بودند. گاهی همچون مردم عادی و ناشناخته در بین آنان رفت و آمد داشتند و به آنان هدایایی از طرف مردم اهداء می‌گردید. (دوم پادشاهان/ ۴، ۴۲) گاهی نیز پیامبری باید سه سال پابره‌نه و عریان به هرجایی رود تا نشانه‌ای باشد برای تحذیر قومی از عذاب الهی (اشعیا/ ۲۰، ۴) ایلیای نبی از پیامبران جلیل‌القدر آل اسرائیل بود که زاهدانه و با مشقت و قحطی روزگار می‌گذراند. (هاکس، ۱۴۴)

به روایت عهد عتیق داود علیه‌السلام زاهدانه‌ترین است، منصب پادشاهی و نظامی یافت ... اگر زهد به معنی اکتفا به ضرورت در امور پسندیده است؛ داود علیه‌السلام به امور قبیح و ناروای اخلاقی و ورود به حریم و حصن دیگران پرانگیزه و متهم بود. (دوم سموئیل/ ۱۱)

نظیر همین توصیف در سیره سلیمان علیه‌السلام نیز مشاهده می‌شود. وی افزون بر دختر فرعون زنان بیگانه بسیاری را از اقوام متعدد دوست می‌داشت و علی‌رغم تأکید پروردگار به آنان دل می‌بست. افراط در این امر باعث گردید که خداوند بر وی خشم گیرد. (اول پادشان/ ۱۱)

در عهد عتیق اغلب پیامبران غمگین بودند و در اجرای اوامر الهی از ناحیه انبیای کاذب مورد جفا قرار می‌گرفتند.

۱-۹-۲- مواجهه و مقابله با جهالت و سطحی‌نگری قوم

حضرت موسی علیه‌السلام از پیامبران صاحب کتاب و شریعت است. که قرآن کریم بیش از دیگر پیامبران الهی در خصوص زندگی، شخصیت، نبوت و رسالت وی سخن گفته است.^۲

۱- (الاحزاب/ ۷؛ الشوری/ ۱۳)

۲- بیش از صد و سی مورد

دوران زندگی و رسالت او همواره با مرارت‌ها، مشقت‌ها و ستم‌هایی از سوی پیروان و معاندان وی همراه بوده است. پیامبرانی مانند هود، صالح، شعیب و لوط علیهم السلام با اقوام گمراه خود درگیر بودند؛ ولی حضرت موسی علیه السلام علاوه بر مواجهه با قوم لجوج خود، با حکومت خودکامه و طاغی فرعون، ثروت اندوزی نامشروع قارون (قورح به روایت عهد عتیق) و انحرافات فرهنگی سامری درگیری داشت و با قاطعیت مقابله می‌کرد؛ در واقع یعنی مقابله با مظاهر قدرت، ثروت و فریب و نیرنگ.

یکی از اصول نبوت مقابله با سطحی‌نگری و جهالت است. در کتاب التوحید الکافی روایات متعددی در ابواب مختلف در خصوص نهی از رؤیت و توصیف خداوند، تجسیم و ... بیان شده است. (نک: کلینی/ ۱۲۷-۱۵۰) توصیف صحیح از شناخت خداوند متعال را می‌توان در محاجه حضرت ابراهیم علیه السلام با نمرود (البقره/ ۲۵۸) و حضرت موسی علیه السلام با فرعون (طه/ ۴۹-۵۴) در قرآن کریم مشاهده نمود. قوم اسرائیل بعد از نجات از دریا مردمی را دیدند که در پرستش بت‌های خود اهتمام می‌ورزیدند. به پیامبرشان گفتند ما هم خدایی می‌خواهیم که قابل لمس و رؤیت باشد. حضرت موسی علیه السلام تقاضای قوم را نابخردانه و آنان را قومی جاهل خطاب کرد. (الأعراف/ ۱۳۹-۱۳۸) جهالتی که این قوم بدان نکوهش شدند، صرفاً مختص عصر بنی اسرائیل نیست؛ بلکه می‌تواند در هر عصری تکرار گردد. برخی از صحابه در مسیر رفتن به نبرد حنین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشنهاد نمودند که برای ما درختی قرار بده که سالی یک روز بدان تبرک جوییم ... حضرت فرمود: شما همان سخنی را می‌گویید که بنی اسرائیل به موسی علیه السلام گفتند: «... اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ...» سپس فرمود: شما به سیره و سنت جاهلی پیشینیان خود بازگشتید. (طبری، ۹/ ۳۱) در جایی دیگر در قرآن کریم اتخاذ و پرستش گوساله و انحراف از توحید توسط قوم اسرائیل، مورد نکوهش شدید و مجازاتی سنگین واقع می‌گردد. (البقره/ ۵۴) در ادامه وقتی بنی اسرائیل رؤیت خداوند را شرط پذیرش ایمان اعلام نمودند، به عذاب صاعقه گرفتار شدند. (البقره/ ۵۵)

چنین اهتمام و تحذیری در عهد عتیق نه از ناحیه خداوند مشاهده می‌شود و نه از جانب موسی علیه السلام. خداوند در تفاوت و تمایز موسی علیه السلام نسبت به دیگر پیامبران الهی می‌گوید: «... من با روشنی و نه با رمز، و رو در رو با او صحبت می‌کنم، او حتی شکل مرا دیده است ...» (اعداد/ ۱۲، ۸-۱)

۲-۹-۲- مبارزه با عناصر و مظاهر قدرت، ثروت و نیرنگ در قرآن کریم

بخش وسیع و مهم رسالت موسی علیه السلام در مبارزه با این عناصر گذشت. موسی علیه السلام مأموریت دشواری در پیش رو دارد. مقابله با فرعون که قدرتمند است و سرکش و هامان که خود به منزله یک لشگر است. و سران قوم و اطرافیان فرعون که با تطمیع و تهدید بدور فرعون گرد آمده‌اند. از طرفی دیگر عوام فریبی فرعون و جهالت مردم، خود بر دشواری مأموریت می‌افزاید. « فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى » (طه/ ۶۷) او دچار خوف شد و نگران از این که مردم نتوانند بین سحر ساحران و معجزه نبوت وی تمییز و تشخیص دهند. وی پادشاهی مصر را از آن خود می‌دانست. (الزخرف/ ۵۱) ادعای ربوبیت نمود و بانک انا ربکم الاعلی سرداد (النزعات/ ۲۴) دیری نگذشت که ادعای الوهیت نمود (القصص/ ۳۸) تکبر ورزید و پیامبر الهی را ساحر خواند (طه/ ۵۷) موسی علیه السلام با حمایت هارون علیه السلام تقویت می‌شود.

آنگاه هر دو مأمور هدایت و مقابله با فرعون می‌شوند (المومنون/ ۴۶-۴۵) عاقبت همراه با سپاهیان‌ش در دریا غرق شد تا مایه عبرت آیندگان گردد. (یونس/ ۹۲-۹۰)

قارون نیز از زراندوزان بنی اسرائیل بود. ثروت آمیخته با تکبر و غرورش زمینه انحراف در وی گردید و با نمایش تجملات خود موجب انحراف قوم شد. قرآن کریم در سه سوره از وی سخن می‌گوید. در دو سوره نام وی با فرعون و هامان ذکر شده است. (العنکبوت/ ۳۹؛ غافر/ ۲۴) در سوره القصص بعد از طرح داستان زندگی و شخصیت قارون عاقبتش این گونه توصیف شده است: آنگاه قارون را با خانه‌اش در زمین فرو بردیم. و گروهی نداشت که در برابر عذاب الهی وی را یاری رساند و خود نیز در دفاع از خود عاجز بود. (نک: القصص/ ۸۲-۷۶) **سامری** از بزرگان قوم بود که در غیبت موسی علیه‌السلام با گوساله‌ای زرین قوم اسرائیل را اغوا نمود. مقاومت هارون علیه‌السلام راه به جایی نبرد و فایده‌ای نداشت. بنی اسرائیل با این گوساله مورد آزمایش قرار گرفتند. (إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ طه/ ۹۰) قرآن کریم در سوره البقره، النساء، الأعراف و طه از آن سخن گفته است.

۲-۹-۳- مبارزه با عناصر و مظاهر قدرت، ثروت و عامل ساخت گوساله زرین در عهد عتیق

فرعون لقب سلاطین مصر است. قاموس کتاب مقدس از دو فرعون در عصر زندگی و رسالت موسی علیه‌السلام نام می‌برد: فرعون تسخیر که معروف‌ترین فراعنه و پادشاهی قاهر و غالب بود و موسی علیه‌السلام در ایام او تولد یافت. و فرعون خروج ... همانی که عساکرش در دریا هلاک شدند. (نک: هاکس، ۶۵۰-۶۴۹) موسی علیه‌السلام فرمان می‌یابد که قوم اسرائیل را از ظلم فرعون و مصریان نجات دهد و به سرزمین غنی و حاصل‌خیز برد. (خروج/ ۳، ۹-۸) در این مأموریت هارون علیه‌السلام نیز همراه موسی علیه‌السلام به سوی فرعون می‌رود. اما فرعون اجازه خروج نمی‌دهد و بر سخت‌گیری خود می‌افزاید. موسی علیه‌السلام بار دیگر به درگاه الهی شکوه می‌برد و التماس می‌کند. خداوند دیگر بار وعده یاری می‌دهد. (همان/ ۵)

آن دو به نزد فرعون رفتند. اوامر الهی را اجرا کردند. هارون علیه‌السلام عصای خود را در مقابل فرعون و بزرگان دو بار به زمین انداخت. عصاهای ساحران را خورد. اما فرعون در سنگدلی خود باقی ماند. (همان/ ۷، ۱۳-۱۰) او غرق در سرکشی و طغیان بود. حتی در میان نهرها دراز می‌کشید و رود نیل را از آن خویش و ساخته خود می‌پنداشت. (حزقیال/ ۲۹، ۳) فرعون همچنان سرسخت بود و اجازه خروج نمی‌داد. خداوند بلاهای متعددی را بر وی مسلط کرد. به هنگام عذاب از موسی علیه‌السلام یاری می‌خواست، اما وقتی با دعای موسی علیه‌السلام عذاب پایان می‌گرفت، بر نافرمانی خود ادامه می‌داد. (خروج/ ۱۱-۷)

فرعون به تعقیب بنی اسرائیل پرداخت. وقتی به دریا رسیدند، شکافته شد. آنان از دریا گذشتند. اما با ورود مصریان به دریا، آب دریا به حالت اول برگشت و همه غرق شدند به طوری که یکی از آنها هم باقی نماند. (همان/ ۱۴)

قورح همان قارونی است که قرآن کریم مقابله موسی علیه‌السلام را با وی بیان نمود. از خانواده لایوان است. (خروج/ ۶، ۲۱-۱۸) در فصل شانزده سفر اعداد شورش قورح، داتان و ابیرام علیه موسی علیه‌السلام به تفصیل بیان شد. اعداد از تعبیر قورح و همراهان وی استفاده می‌کند. آنها همراه با دویست

و پنجاه نفر از رهبران قوم بر موسی شورش کردند نزد موسی و هارون رفته گفتند: «شما از حد خود تجاوز کرده‌اید! همه قوم اسرائیل متعلق به خداوند می‌باشد و خداوند با همه ما است. پس چرا شما خود را برتر از قوم می‌شمارید. (اعداد/ ۱۶، ۳-۱) قورح و همراهانش بر مقام کهنات هارون علیه‌السلام حسادت می‌ورزند و عامل انحراف و تفرقه قوم می‌شوند. زمین زیر پای قورح و داتان و ابیرام باز می‌شود و آنها را همراه با خانواده‌ها و هم‌دستان ... در خود فرو می‌برد. به این ترتیب شکاف زمین بر آنها بسته شد و همگی با همه دارایی خود زنده به گور شدند و از بین رفتند ... بعد آتشی از جانب خداوند فرود آمد و آن دو بیست و پنجاه نفر را سوزاند. (نک: همان/ ۳۵-۱۶) (در خصوص سرنوشت داتان و ابیرام نک: مزامیر/ ۱۰۶، ۱۸-۱۶؛ تنبیه/ ۱۱، ۷-۶)

عامل ساخت گوساله زرین و اغوای قوم از دیدگاه قرآن کریم سامری است. دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص وجه تسمیه وی به سامری بیان شده است. پرداختن به آن وجوه خارج از حوصله این نگارش است. بطور دقیق و قطعی مشخص نیست که این لفظ از کجا و از چه مشتق شده است. (ماسون، ۵۵۹) آنچه که در اولویت و اهمیت بیشتر است، فعلی است که صورت گرفته است. اغوای قوم که تأسف و غضب شدید پیامبر را در پی داشت و در نهایت عامل خشم و عقاب الهی گردید. عهد عتیق سفر خروج عامل چنین رفتار نابخشودنی را به هارون علیه‌السلام نسبت می‌دهد!

«وقتی مردم دیدند که موسی مدت زیادی در کوه مانده و بازنگشته است، دور هارون جمع شدند و گفتند ... پس خدایی برای ما بساز تا ما را راهنمایی کند... هارون گوشواره‌های طلایی زن‌ها و دختران و پسران آنها را گرفت در قالب ریخت و یک گوساله طلایی از آن درست کرد... مردم گفتند این خدای ماست که ما را از مصر بیرون آورد. پس هارون قربانگاهی در مقابل گوساله درست کرد... (خروج/ ۳۲)

۲-۱۰- نتایج و پیشنهادها

- ۱- نبوت در قرآن کریم شامل مردانی است که واجد صفات بارز و واسطه فیض الهی می‌باشند. این مسئولیت در عهد عتیق بر عهده زنان و مردانی است که از نظر روحانی برتر از سطح مردم عصر خود بودند و نقش اصلی را در نگارش عهد عتیق داشتند .
- ۲- قرآن کریم آسمانی بودن تورات را تایید می‌کند. اما تورات و عهد عتیق امروزی و همه آموزه‌ها و شریعت آن را به طور کامل مورد تایید قرار نمی‌دهد.
- ۳- در مسیر زندگی و نبوت پیامبران، از جمله موسی علیه‌السلام وجوه اشتراک بسیاری در کتب الهی وجود دارد. تفاوت‌ها و موارد اختلافی ناشی از مراتب و شرایط عصر آنها و یا برداشت‌های پیروان آنان می‌باشد .
- ۴- آرایه تصویری متناقض از ساختار شخصیتی پیامبران ، بی شک از سوی معاندان و یا پیروان بر کتاب مقدس تحمیل شده و تحریف می‌باشد.
- ۵- در موارد اختلافی به اقتضای عقل و نص باید کتابی که مهیمن بر کتب قبل است میزان و معیار گردد. (المائده /۴۸)
- ۶- قرآن کریم بیش از دیگر پیامبران الهی از موسی علیه‌السلام سخن گفته است. خداوند متعال وی را برای خود پروراند. مهری از خود بر وی افکند. تحت نظر خود پرورش داد و در مسیر هدایت الهی مشمول عنایات فراوان خود قرار داد. (سوره طه)
- ۷- بر اساس روایات، هر آنچه بر قوم اسرائیل وارد شده است، بر امت اسلامی نیز وارد می‌گردد. تطبیق شرایط و اوضاع دو عصر می‌تواند مایه درس‌ها و عبرت‌های فراوانی گردد.
- ۸- سیر زندگی و نبوت موسی علیه‌السلام بسیار شکوهمند و رمزآلود بیان شده است.
- ۹- طرح زندگی موسی علیه‌السلام و نجات قوم اسرائیل از ستم فرعونیان برای امت عصر نزول که از فراعنه قریش در رنج و مرارت بودند، مایه امید و آرامش بوده است .
- ۱۰- در عهد عتیق سیر زندگی و نبوت موسی علیه‌السلام با تفصیل بیشتری بیان گردید؛ زیرا خروج از زمان وی صورت گرفت.
- ۱۱- خروج مهمترین واقعه در تاریخ بنی اسرائیل است. این مسأله که در سفر خروج متمرکز است، عنایت الهی بر قوم اسرائیل برای نجات از یوق بردگی مصریان است. مهم‌ترین بخش سفر خروج فصل بیست آن ده فرمان می‌باشد .
- ۱۲- در قرآن کریم موسی علیه‌السلام با رسالت الهی به سوی فرعون و ملاء او فرستاده شد و در عهد عتیق به سوی فرعون.
- ۱۳- معجزات متعددی به موسی علیه‌السلام اعطا گردید. عهد عتیق با تفصیل بیشتری از آن معجزات سخن گفته است. برای آنکه با هر معجزه فرعون را تسلیم کند تا دستور خروج قوم اسرائیل را صادر نماید.
- ۱۴- در قرآن کریم معجزه‌ای به هارون علیه‌السلام نسبت داده نمی‌شود. ولی عهد عتیق در برخی موارد انداختن عصا را نزد فرعون و درباریان به هارون علیه‌السلام نسبت می‌دهد.

۱۵- از دیدگاه عهد عتیق موسی علیه السلام از همه پیامبران برتر است. تجلی و تکلم الهی بر وی به صورت رو در رو و آشکارا بوده است.

۱۶- در قرآن کریم تجلی و تکلم الهی بر کلیم الله با واسطه صورت گرفت. موسی علیه السلام در میقات تقاضای رؤیت قلبی و شهودی از پروردگار متعال نمود.

۱۷- مسأله بشارت حکومت صالحان و هدایت قوم به سوی سرزمین مقدس و موعود در هر دو کتاب مطرح شده است. در عهد عتیق قلمرو آن تعیین شده است ولی در قرآن کریم استقرار عدل الهی و حکومت صالحان بدون تعیین قلمرو جغرافیایی آن مورد تاکید واقع شده است.

۱۸- تفاوت فاحشی در اسلوب سخن گفتن و مضامین کلام موسی علیه السلام با خداوند متعال در دو کتاب وجود دارد. در قرآن کریم با رویه‌ای ثابت و در تمام مراحل و مراتب توأم با ادب و تواضع است. ولی در عهد عتیق گاهی متواضعانه و زمانی، از جمله در آغاز رسالت با انتقاد و اعتراض شدید است. گاهی هم خداوند متعال از اعتراض و نافرمانی پیامبرش غضب می‌کند و بر وی خشم می‌گیرد.

۱۹- موسی علیه السلام علاوه بر مبارزه و درگیری با مظاهر قدرت، ثروت و نیرنگ، با قوم لجوج و عنود اسرائیل نیز همواره در مقابله، مرارت و رنج بود.

۲۰- داستان میقات و انحراف قوم و گرایش به گوساله‌پرستی بیانگر این حقیقت است که انحراف از توحید آغاز همه انحرافات و آلوده شدن به همه پلیدی هاست.

۲۱- در قرآن کریم هارون علیه السلام پیامبر مرسل و شخصیتی ممتاز معرفی می‌گردد ولی در عهد عتیق رئیس کهنه و عامل ساخت گوساله زرین و انحراف قوم معرفی شده است.

۲۲- نماد خرافات (گوساله زرین) و خرافه پرستی (فرعونیان) نابود می‌گردد و به دریا ریخته می‌شود تا اثری از آن باقی نماند که دیگر بار عامل انحراف قوم گردد.

۲۳- موسی علیه السلام در محضر عالمی قرار می‌گیرد. در این ملاقات نکات مهم توحیدی، تربیتی و اخلاقی مطرح می‌گردد. در عهد عتیق این موضوع مورد توجه و عنایت واقع نشده است.

۲۴- کلیاتی از زهد و سیره زاهدانه در دو کتاب مشترک است. در قرآن کریم این امر از یک رویه ثابت و سیر منطقی برخوردار است ولی در عهد عتیق این گونه نیست.

۲-۱۱- پیشنهادها

۱- از آنجایی که سیر زندگی و نبوت موسی علیه السلام بسیار شکوهمند و رمزآلود بیان شده است، پیوسته باید با پژوهش‌های نو، رمزگشایی‌های جدیدی از آن صورت گیرد.

۲- بر اساس روایات، هر آنچه بر قوم اسرائیل وارد گردید برای امت اسلامی نیز پیش خواهد آمد. با چنین نگرشی در حوادث و پیش‌آمدهای جدید، تعمق در آیات مربوط به قوم اسرائیل می‌تواند مایه عبرت، چراغ هدایت و رهنمود باشد.

۳- با عنایت به همخوانی بسیار در آموزه‌های دو کتاب تقویت وجوه مشترک در احکام شریعت و مفهوم نبوت، بستری مناسب برای مطالعات تطبیقی و همزیستی و تعامل بیشتر پیروان دین الهی است.

.....وَأَخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۱. قرآن کریم
۲. کتاب مقدس، ترجمه انجمن کتاب مقدس، ۲۰۱۵ م.
۳. کتاب مقدس، ترجمه از زبان های عبرانی و کلدانی و یونانی، انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۹۰ م.
۴. عهد عتیق (کتاب های تاریخی)، بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر هرمس و نشر نی، ۱۳۹۷ ش.
۵. ابن بابویه القمی (صدوق)، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، تهران، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۶. بی ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۷۹.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، نشر اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۹۳ ش.
۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالتقلین، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۹. خزائلی، محمد، اعلام قرآن، تهران، امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. رازی، محمد فخرالدین، تفسیر الکبیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. راغب الدجانی، زاهیه، مفهوم قرآنی و توراتی موسی علیه السلام و فرعون، ترجمه حبیب الله عباسی، تهران، سخن، ۱۳۹۰.
۱۲. سیدرضی، (ابوالحسن محمد بن الحسین)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، دارالعلم، چاپ هشتم، ۱۳۹۲ ش.
۱۳. طباطبایی امین، طاهره سادات و احمدیان، محمدعلی، «جغرافیای تاریخی عبورگاه بنی اسرائیل از بحر با تأکید بر دیدگاه های مفسران قرآن و عهد عتیق»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۲۰۱۵.
۱۴. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية، الجزء التاسع، ۱۴۲۵.
۱۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، انتشارات ولی عصر عجل الله، ۱۳۷۵ ش.
۱۸. ماسون، دنیز، قرآن و کتاب مقدس، درون مایه های مشترک، ترجمه فاطمه سادات تهامی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۷۹.
۱۹. موسوی بجنوردی، کاظم، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، نشر مرکز دایره المعارف، جلد ۶، ۱۳۷۳.
۲۰. نوری الطبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۲۱. نیشابوری، مسلم، صحیح، بیروت، دارالفکر، [بی تا].

۲۳. Herr, David Moshe, "Midrash," Encyclopedia Judaica, second Edition, 2001.
۲۴. sarna, Nahum M., "Aaron," Encyclopedia Judaica, second Edition, 2001.
۲۵. van seters , john , "Moses" , the biblical world , john barton (ed.) , 2002.
۲۶. Greenberg, moshe , sperling , David , "moses" , Encyclopedia Judaica , second edition , 2001.